

## کاربست روش‌شناسی کلامی آیت‌الله مکارم شیرازی در مسائل اعتقادی دینی

مقاله پژوهشی  
اصیل  
Original  
Article

عبدالحسین خسروپناه<sup>۱</sup>، مجتبی جولاپی‌فر<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف:** هدف از انجام این پژوهش، ترسیم کاربرت روش‌شناسی کلامی آیت‌الله مکارم شیرازی در مسائل اعتقادی دینی بود. **روش:** برای دستیابی به هدف پژوهش، از شیوه‌توصیفی - تحلیلی با تکیه بر اطلاعات کتابخانه‌ای و نرم‌افزار مکتوبات آثار استاد مکارم شیرازی و اسناد نوشتاری ایشان استفاده شد و با نگاه درجه دوم، پردازش و تحلیل داده‌ها در عملیات اندیشه‌ورزی آثار اعتقادی وی صورت پذیرفت. **یافته‌ها:** مسائل کلامی در اندیشه آیت‌الله مکارم، روشمند و مدلل و مبتنی بر روش‌شناسی بود و این پژوهش، الگویی نمونه در عملکرد سایر متکلمان شمرده شد. **نتیجه‌گیری:** کاربرت روش‌شناسی کلامی استاد مکارم، در چهار گام تبیین، تنظیم، اثبات و دفاع، با شیوه‌های تبیین، نظیر تبیین واژه‌ها و بیان تاریخچه مسئله؛ شیوه‌های تنظیم، همچون ترتیب منطقی و تقدم آموزه‌های عقلی بر نقلی؛ شیوه‌های اثبات، مانند ارائه انواع دلیل به لحاظ مقدمات یا انواع دلیل از نظر صورت و ماده و در نهایت شیوه‌های دفاع، مثل طرح سؤال از مخاطب، ارائه پاسخ نقضی و حلی در استدلال و عملیات پاسخگویی به مسائل اعتقادی به سامان رسید.

**واژگان کلیدی:** روش‌شناسی، کلام، مکارم شیرازی، تبیین، تنظیم، اثبات، دفاع.

◆ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

۱. استاد حکمت اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و مدرس خارج فقه حکمرانی.  
khosropanahdezfuli@gmail.com
۲. دانش‌آموخته سطح چهار و محقق و مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول).  
M.joulaefar@gmail.com

### الف) بیان مسئله

دانش کلام اسلامی شاخه‌ای از دین‌پژوهی است و دانشمندان این علم، با روشی علمی به اثبات و دفاع از عقاید و مسائل اعتقادی اسلامی همت می‌گمارند. این روش علمی به صورت عملیات استدلال کلامی است که می‌توان آن را با نگاه درجه دوم نگریند و به ترسیم روش‌شناسی کلامی متکلمان دست یافت و در نهایت، کاربرد آن را در مسائل اعتقادی دینی نمایان ساخت. یکی از متکلمان معاصر و فقهای مشهور، آیت‌الله مکارم شیرازی است. وی در آثار کلامی خویش، با روشی عالمانه و متکلمان‌محور به اثبات و دفاع از آموزه‌های اعتقادی اسلام اهتمام ورزیده است. این نگاه در صدد است این روشمندی در مسائل اعتقادی را کشف و مدلل و مبین کند تا طریقه پیمایش آن برای دانش‌پژوهان کلام میسر شود. از این رو، مسئله اصلی پژوهش، کشف و ارائه کاربرد روش‌شناسی کلامی آیت‌الله مکارم شیرازی در مسائل اعتقادی دینی است.

آثار ارزشمندی همچون: «روش‌شناسی علم کلام؛ اصول استنباط و دفاع در عقاید» (برنجکار، ۱۳۹۱) و نیز آثار فاخری مانند «روش‌شناسی عقاید دینی» و نیز «روش‌شناسی علم کلام؛ نگاهی تطبیقی انتقادی به روش فلسفی و تفکیکی» تألیف حمیدرضا شاکرین یا مقالات مختلفی نظیر «روش‌شناسی کلامی شیخ صدوق» تألیف عبدالرحیم سلیمانی بهبهانی و محمدمهدی عارفی یا «روش‌شناسی کلامی علامه حلی» تألیف عبدالرحیم سلیمانی و هادی زارعی و حیدر سبزی و... تاکنون منتشر شده و هر یک به نوبه خود نقش مهمی در ارائه مباحث روش‌شناسی علم کلام یا روش‌شناسی کلامی متکلمان ایفا کرده‌اند. اما مقاله پیش رو با هدف ترسیم روش‌شناسی کلامی استاد مکارم شیرازی با یاری جستن از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اطلاعات کتابخانه‌ای و مطالعه آثار ایشان و با هدف شناسایی و معرفی روشهای تبیین، تنظیم، اثبات و دفاع و ارائه کاربرد این روشها در اندیشه کلامی وی در مسائل اعتقادی دینی به سامان رسیده است. بر این اساس، آثار و مقالات پیش گفته فاقد نتایج این تحقیق‌اند؛ زیرا نگاه درجه دوم به عملکرد عالمان و متکلمان با نگاه درجه دوم به روش علم، متفاوت و گوناگون است. از سویی، با وجود اشتراکات فراوان، تفاوت‌هایی نیز در کاربرد این ضوابط قابل مشاهده است و این به معنای انحصار برخی خصوصیات در اندیشه کلامی از سوی ایشان است.

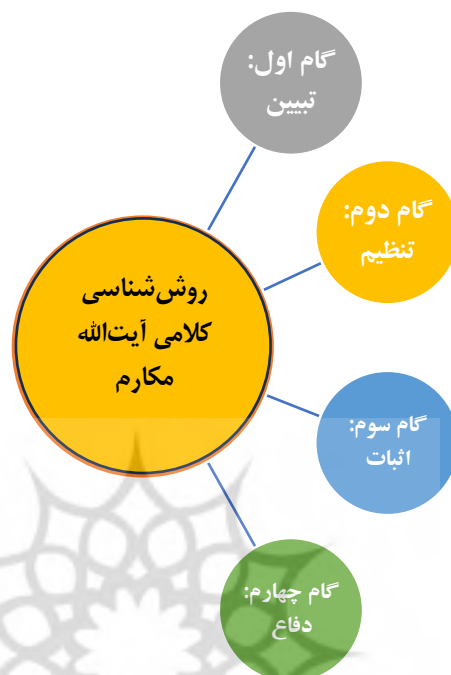
### ب) چیستی روش‌شناسی

روش‌شناسی یا دانش روشها، رشته‌ای است که با مطالعه منظم و منطقی، اصول تفحص علمی را ترسیم می‌کند (شایان‌مهر، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۹۹). اما با نگاهی عمیق‌تر و از دیدگاه نگارنده، «روش‌شناسی»<sup>۱</sup> دانشی است که با دو رویکرد درجه اول و درجه دوم به معرفی کاربرت روشهای معرفت می‌پردازد و به مجموعه‌ای از ابزارها و منابع معرفتی همچون: حس و تجربه، عقل و وحی و نیز به شیوه‌های گردآوری اطلاعات و واکاوی آنها اطلاق می‌شود. روش‌شناسی در برگیرنده قواعد کلی درست اندیشیدن برای نقد و تحلیل اندیشه‌هاست. همچنین، فرایند استدلال و استنتاج در یک یا چند دانش را بررسی می‌کند. این مطالعه گاه با نگاه درجه دوم به عملکرد عالمان توجه کرده و روشهای گردآوری و داوری و کاربرت آنها را شناسایی می‌کند تا بتوان به مدد آن، به توصیه و تبعیت از روش‌شناسی عالمان سفارش کرد. همچنین به صورت منطقی، روشهای گردآوری را کشف و بدان اهتمام می‌ورزد. (ر.ک: خسروپناه، ۱۳۸۷: ۷۵-۷۴)

### ج) روش‌شناسی کلامی

«رهاورد همجواری»، اصطلاح روش‌شناسی به معنای نگاه درجه دوم به عملکرد عالمان است که در این نگاشته با تاکید بر اندیشه استاد مکارم است و عنوان «کلامی» که مفهوم آن چنین است: «گزاره‌های بینشی و باورمند و اعتقادی اسلامی که در دانش آشکار شده»، منجر به برساختگی مفهوم جدیدی با عنوان «روش‌شناسی کلامی» است. از این رو، روش‌شناسی کلامی آیت‌الله مکارم شیرازی عبارت است از: «بررسی و کاوش با نگاه درجه دوم در عملیات استخراج که مشتمل بر تبیین و تنظیم بوده و نیز اثبات و دفاع از گزاره‌های کلامی در اندیشه آیت‌الله مکارم شیرازی».

نگارنده معتقد است ماهیت روش‌شناسی کلامی در قلمرو دانش کلام اسلامی، تلاش متکلم را در دو حوزه معرفتی و مهارتی بیان می‌کند. در روش‌شناسی کلامی، پیرامون کاربرت و روش تبیین و تنظیم گزاره‌های کلامی و در ادامه این فرایند، از اثبات و دفاع آموزه‌های باورمند و اعتقادی اسلام سخن به میان می‌آید. بنابر این، روش‌شناسی کلامی را که ناظر به کشف عملکرد عالمان و متکلمان است، می‌توان در مراحل چهارگانه و به صورت چهار گام (تبیین، تنظیم، اثبات و دفاع) به سامان رساند. نمودار این چهار گام به شکل ذیل است.



اگر چه علامه مکارم در آثار اعتقادی خویش، چنین کنش و عملکردی را به صورت مدوّن و ساختارمند ظاهر نساخته و به ترسیم خطوط کلی اکتفا کرده، اما نگارنده کوشیده است این مراحل را در آثار آیت‌الله مکارم با روش استنباطی و استنباطی فراچنگ آورد و کاریست قواعد و ضوابط این چهار گام را با نگاهی درجه دوم به عملکرد وی و با بیان نمونه‌های متنوع از آثار اعتقادی ایشان، به مخاطب عرضه کند.

از دیدگاه استاد مکارم، متکلم باید همواره شرایط تبیین، تنظیم و اثبات مباحث کلامی را از نظر موضوع و مخاطب رعایت کند. مهم‌ترین شرط تبیین، رعایت اصل پرهیز از اصطلاحات پیچیده است و این وجه کمال یک اثر علمی است که زبانی ساده و قابل فهم برای همگان داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶/ب: ۱۶). همچنین توجه به شرایط مخاطب و اصل مخاطب‌سنجی از دیگر شرایط تبیین مسئله است که بر اساس آن، محقق باید با بیانی شیوا و بدون ابهام‌گویی، مطالب را به دانش پژوهان منتقل کند (همو، ۱۳۸۶/ب: ۱۰) و نباید مصالح عموم را فدای نام و آوازه‌ای کند که می‌خواهد با استفاده از اصطلاحات مشکل و پیچیده برای خود مهیا کند؛ بلکه هدف باید متعالی و در مسیر رشد و رسیدن به کمال نویسنده و خواننده باشد (همو، ۱۳۷۶/ب: ۱۶). شرط اساسی در تنظیم گزاره‌های کلامی، ملاحظه وضعیت آموزه‌ها

و تقدّم و تأخّر آنهاست و خصوصیت مهم اثبات مسائل کلامی، توجه به تقدّم روش عقلی یا نقلی به نسبت موضوع و شرایط مخاطب است (برنجکار، ۱۳۹۱: ۱۷۹-۱۷۱). نظیر باور استاد مکارم که چنین می‌اندیشد: هنگامی که متکلم در مبحث اثبات صانع، برهان حرکت را که دلیل عقلی و مقدّم بر دلیل نقلی است، در شمار یکی از براهین اثبات صانع محسوب می‌کند؛ باید پیش از ارائه برهان، به تبیین موضوع برهان حرکت از منظر فلسفه اسلامی توجه کند و به توضیح چستی، وجود، ارکان و مقولاتی که حرکت در آن واقع می‌شود، به شایستگی بپردازد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶/د، ج ۳: ۳۹). همچنین از منظر وی، متکلم باید در تنظیم منطقی مباحث، به اثبات عقلی وجود خداوند توجه کند تا فهم صحیحی از موضوع در ذهن مخاطب ایجاد شود. در برهان امکان و وجوب نیز که از براهین عقلی اثبات واجب‌الوجود است، با تبیین مفاهیم مرتبط با این برهان، مخاطب را با مفهوم امکان و وجوب به زبانی ساده آشنا سازد و با ترتیب منطقی مقدمات استدلال، به اثبات خالق هستی بخش اهتمام ورزد. (همان: ۶۲؛ همو، ۱۳۷۹/الف: ۱۶۷-۱۶۱)

متکلم در روش‌شناسی کلامی، در صورتی به اهداف نهایی خویش در تبیین، تنظیم، اثبات و همچنین دفاع از اندیشه‌های باورمند و اعتقادی دینی دست خواهد یافت که خود از مبانی دینی مستحکمی برخوردار باشد و توان تحلیل پرسش اعتقادی را به خوبی داشته و در مقام پاسخ، از وجود زمینه‌های فکری و اعتقادی پرسشگر آگاهی یافته و با شیوه‌های پاسخگویی آشنا باشد و نیز در به کارگیری ماهرانه دانسته‌های خویش، دقت لازم و مهارت کافی را به دست آورده باشد. همچنین متکلم باید راهبرد خویش را در ارائه مسائل کلامی بر اساس چهار اصل ذیل تنظیم کند تا وظیفه و رسالت خود را به خوبی انجام دهد. این چهار اصل عبارتند از: از به کار بردن اصطلاحات پیچیده اجتناب کند؛ صداقت و صراحت در بحث علمی داشته باشد؛ از تعصب اجتناب کند؛ تلاش در نوآوری ارائه مطالب داشته باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶/ب: ۱۶)

#### ۱. گام اول: تبیین

نخستین مؤلفه در روش‌شناسی کلامی آیت‌الله مکارم، روش تبیین است؛ زیرا تصور شیء، مقدّم بر تلاش برای اثبات آن است. از دیدگاه ایشان، یکی از مهم‌ترین وظایف متکلم در مقام استنباط و دفاع، توضیح و تبیین مسئله است و از جمله اشتباهات شایع و متداول در کاربرد الفاظ، تبیین‌های مغالطه‌ای همچون مغالطه اشتراک لفظی و مغالطه ابهام ساختاری است که منشأ آن، عدم تبیین موضوع، کلمه یا ترکیب چند کلمه در کلام است. روشهای تبیین گوناگون‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

**یک) تبیین واژه‌ها:** نخستین روش در تبیین، روش تبیین واژه‌هاست که به دو صورت تبیین مفرد و جمله، قابل بررسی است. تبیین مفردات در آثار مکارم شیرازی صورت‌های مختلفی دارد. برخی مفردات، «اصطلاحات علمی» و دسته‌ای، «اسامی شخصیت‌ها و دانشمندان علوم» می‌باشند. همچنین گاهی متکلم با «تبیین واژه معادل انگلیسی» از دقت معنایی در انتقال معنا به خوبی استفاده می‌کند و می‌کوشد به تناسب نیاز مخاطب، کلمات ساده را انتخاب کند و گاه پس از بیان برخی از این واژگان، عبارات یا قواعد علمی، به توضیح آنها می‌پردازد.

استاد مکارم در موارد متعددی از این روش بهره جسته و برای نمونه چنین نگاشته است: برای پاسخ به مدعای ماتریالیسم‌ها مبنی بر اینکه ماده ازلی است، می‌توان به «قانون دوم ترمودینامیک» و «انترپی» اشاره کرد (مکارم و سبحانی، ۱۳۷۷: ۲۳). یا در پاسخ به یکی از اشکالات مادی‌گرایان که می‌گویند موحدان بر این باورند که «خدا جهان را از عدم آفریده است، اما چگونه عدم، منشأ وجود باشد؟» (همان: ۱۹)؛ منشأ اشتباه مادی‌گرایان، در فهم غلط از واژه «از عدم» در جمله بوده است. مقصود فلاسفه الهی این نیست که عدم منشأ و اصل هستی است و ماده تشکیل‌دهنده هستی است؛ بلکه مراد حکما این است که جهان، پدیده است و خصوصیتش، مسبقیت به عدم است و اساساً نیستی و عدم، در پیدایش هیچ موجودی کوچک‌ترین دخالتی ندارد (همان: ۲۰). گاه استاد مکارم در آثارش با توضیحاتی در پاورقی، همچون مبحث شگفتی‌های آسمان و نظم جهان، مخاطب را از سردرگمی در اطلاعات ارائه‌شده رهایی بخشیده تا بدانند در نهایت، مقصود از تحلیل، تبیین مقدمات مباحث خداشناسی است. (همان: ۷۸)

ایشان در برخی مباحث، از دانشمندان بزرگ جهان یاد می‌کند و برای آشنایی بیشتر مخاطب، زندگینامه و خدمات وی را گزارش می‌دهد تا اعتماد خواننده به دیدگاه آن دانشمند جلب شود؛ مانند آنجا که چنین توصیف می‌کند: افرادی از قبیل «ویلیام هرشل» انگلیسی (مکارم، ۱۳۷۹/الف: ۶۴)، کاشف سیاره «اورانوس»؛ یا «ژان کپلر» آلمانی (همان: ۶۳) که منجم و ریاضیدان است و سه قانون مهم را کشف کرد و ملقب به «قانونگذار آسمان» شد (همان: ۵۹)؛ یا در مبحث برهان نظم، برخی سیارات همچون «عطارد» با معادل «Mercurius» و «زهرة» با معادل «Venus» (همان: ۶۴) را برای تبیین صحیح به کار می‌برد.

**دو) تاریخچه مسئله:** دومین روش، بیان تاریخچه مسئله است که آثار مهم علمی به دنبال دارد. پیشینه‌شناسی می‌تواند دستاوردهای اندیشمندان را عرضه کند و راه طی شده در علم را

برای مخاطب نمایان سازد تا با تکیه بر تجربه دیگران، مقصد جدیدی را کشف کند. همیشه این محقق نیست که از مزایای تاریخچه استفاده می‌کند؛ بلکه گاه مخاطب با شنیدن تاریخچه، تأثیر روانی پذیرفته و آگاه می‌شود که اصل مسئله جدید نیست و تنها قالب آن تغییر کرده یا به زبان امروزی بیان شده است. بیان تاریخچه به دو صورت تاریخچه طرح سؤال و پاسخ به آن ارائه می‌شود که استاد مکارم هر دو شیوه را به کار گرفته است.

نظیر آنجا که وی معتقد است: شبهه «چرا باید به خدایی که نمی‌بینیم ایمان بیاوریم؟» که از سوی مادی‌گرایان مطرح شده، در حقیقت وامدار میراث ملحدان صدر اسلام است (همان: ۲۱). یا هنگامی که متکلم در مقام پاسخ به یکی از مسائل فلسفی مانند «چگونگی رابطه علم و عالم و معلوم» است، به تاریخچه پاسخ به این پرسش اشاره می‌کند که مبدع آن «فروریوس»، دانشمند یونانی پیرو ارسطو است و فارابی و ملاصدرا از پیروان این اندیشه و بوعلی سینا را از مخالفان آن معرفی می‌کند. (همان: ۲۲)

به نظر می‌رسد کاربرد این روش، نیازمند دقت بیشتری است؛ زیرا باید آشکار شود که بیان تاریخچه در کدام بُعد از مسئله صورت می‌پذیرد؛ آیا اصل مسئله و طرح آن با همان محل نزاع و پرسش اصلی در گذر زمان، با فرض تطورات بوده یا بخش و ابعادی از آن، همچون تغییر صورتهای پرسش به دغدغه اصلی اندیشمندان یا تکثیر صور برهان و نقد ادله مورد کاوش در اندیشه متفکران بوده است.

**سه) بیان مبانی:** روش سوم، شیوه بیان مبانی است. توضیح اینکه، مباحث کلامی با یکدیگر مرتبط‌اند و گاه برخی به عنوان مبنا و اصل برای مبحث دیگر شمرده می‌شوند (برنجکار، ۱۳۹۱: ۱۶۳). به باور نگارنده، تبیین صحیح اندیشه، گاه نیازمند تبیین مبانی معتقدان به آن باور است و آگاهی بخشی به مخاطب همیشه با بیان مقدمات استدلال نیست و گاهی تا مبانی تبیین نشود، انتقال به مقصود ناقص یا ناممکن است. مانند عملکرد شایسته علامه مکارم شیرازی در مبحث عدل الهی که از پایه‌های اصلی و مبانی مباحث مهم جهان‌بینی اسلامی است و بدون آن، برخی مسائل اساسی همچون توحید، نبوت و معاد، دستخوش انحراف می‌شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶/الف: ۹۷)

البته این روش نیز قابل بحث و نظر است؛ زیرا «بیان مبانی» عنوانی کلی است که شایسته می‌نماید به تفصیل آن بیشتر عنایت شود و لازم است اقسام مبانی مرتبط به مسئله نام برده شود و تطبیق و مراد از آن در بحث کلامی مد نظر برای هر دو طرف مجادله هویدا شود تا مسیر نزاع، جهت‌دهی شده و زمینه اثبات و پذیرش حق مهیا شود.

**چهار) بیان لوازم:** یکی دیگر از روشهای تبیین مسئله، بیان لوازم آن است که آشنایی مخاطب با آن، تصویر کامل تری از بحث را در ذهنش ایجاد می‌کند (برنجکار، ۱۳۹۱: ۱۶۵). مراد از لوازم، همان توالی یک شیء است. در منطق، لازم ماهیت به دو قسم بین و غیر بین منشعب می‌شود. معیار در جدایی لوازم بین و غیر بین، حمل بدون واسطه و لزوم اثبات حدّ وسط یا باواسطه بودن حمل و عدم لزوم اثبات حدّ وسط است. پس در لازم بین، حمل لازم بر ملزوم بدیهی و بی‌نیاز از استدلال است و در لازم غیر بین، محتاج نظر و اندیشه است که در روشهای اثبات بدان خواهیم پرداخت.

دانش منطق، لوازم بین را به دو قسم «بین بالمعنی الاعم» و «بین بالمعنی الاخص» منشعب می‌کند (سلیمانی امیری، ۱۳۹۰، ج ۱: ۹۷)؛ نظیر آنجا که استاد مکارم چنین یادآور می‌شود: بی‌توجهی به جایگاه و استقلال عقل در تشخیص حقایق، برخی مسائل بنیادین همچون توحید که خداشناسی و بعثت انبیا را زیر سؤال خواهد برد. دلیل بر این مدعا، آن است که اثبات وجود خدای متعال و ضرورت نبوت آسمانی جز از طریق عقل - که لازم بین بالمعنی الاعم است - میسر نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶/الف: ۹۲)؛ یا بدیهی - به نحو لزوم بین بالمعنی الاخص - است که عمل به احکام شرعی وقتی معنا پیدا می‌کند که عقل، نخست توحید و نبوت را اثبات کند و در غیر این صورت، تبعیت از دستورات اسلام بی‌معناست. (همان)

**پنج) بیان احتمالات و گزینش احتمال درست:** عملکرد استاد مکارم در شیوه بیان احتمالات و برگزیدن اندیشه صحیح، همانند کاربرد برهان سبر و تقسیم است. سبر و تقسیم به معنای آزمودن و جمع کردن است و برهان آن بر مبنای کنار گذاشتن احتمالات باطل استوار است. این شیوه در روش تبیین نیز با کشف احتمالات معقول ممکن و ردّ موارد باطل در فهم و تبیین مطلب، گامی مؤثر برداشته و یاریگر مخاطب در تفهیم مطلب است. نظیر دیدگاه علامه مکارم در تبیین آیه «وَكُونُوا مَعَ الصّٰدِقِیْنَ» (توبه: ۱۹) که از آیات ولایت و نیازمند بیان احتمالات است. در پاسخ به این پرسش که صادقین چه کسانی‌اند که امر به پیروی ایشان شده، دو احتمال مطرح می‌شود. احتمال نخست اینکه، صادقین افراد خاصی‌اند و احتمال دوم این است که عموم مسلمانان راستگو را شامل است. با توجه به معنای آیه و قرینه سیاق، احتمال نخست مقبول بوده و تبعیت از افراد خاصی بدون قید و شرط که ضمانت الهی دارند و مصون از اشتباه می‌باشند، مراد آیه است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶/الف: ۱۳۸)

**شش) طرح سؤال:** یکی از شیوه‌های جذّاب‌سازی، طرح پرسش و پاسخ به آن در مسائل کلامی است. این شیوه از سوی استاد مکارم با اهداف مختلفی همچون: بالا بردن معرفت

## کاربست روش‌شناسی کلامی آیت‌الله مکارم شیرازی ... ♦ ۱۵

مخاطب، رفع شبهات، اقرار و اعتراف گرفتن از مخاطب، متنبه ساختن مخاطب و انذار و تبشیر در طرح سؤالات قرآنی دنبال می‌شود. پذیرش این روش از سوی مخاطب، فوایدی نظیر فعال و متمرکز شدن ذهن، حامل جواب بودن، تشویق به اندیشیدن یا درک ساده از مسئله را پدیدار می‌کند. البته هنگامی از این شیوه و منافع آن می‌توان سود جست که شرایط به کارگیری آن رعایت شود و دقیق و ماهرانه از سؤال بهره‌مند شود. مهم‌ترین شرایط این روش عبارتند از: سؤال باید کاربردی و مورد نیاز مخاطب باشد؛ امکان پاسخگویی به سؤال باشد؛ سؤال بدون جواب نماند؛ طرح سؤال موجب انحراف نشود؛ سؤال با بیانی ساده مطرح شود. (سلمه‌ای، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۷۲)

همیشه طرح پرسش، صریح نیست و گاه توضیح مبحثی به شیوه غیر مستقیم در مقام پاسخ به شبهه یا پرسش پیشی است (ر.ک: برنجکار، ۱۳۹۱: ۱۶۶). از این رو، برخی آثار کلامی استاد مکارم، مانند «از تو سؤال می‌کنند» یا «پاسخ به پرسشهای مذهبی»، با محور پرسش تنظیم شده و برخی همچون «شیعه پاسخ می‌گوید»، به صورت غیر مستقیم برای پاسخ به شبهات و هایت و اهل سنت تدوین شده‌اند. وجود اهداف متنوع در طرح سؤال، زمینه‌ساز آشکار شدن انواع سؤال از جهات مختلف است.

الگوهای نظیر طرح سؤال مخاطب و پاسخ به آن، سؤال از مخاطب و پاسخ به آن، بیان سؤال برای اعتراف گرفتن از مخاطب و بیان سؤال به شیوه گفتگو، تنها بخشی از موارد بی‌شمار شیوه‌های طرح سؤال برای تبیین مسئله است (سلمه‌ای، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۷۲) که در ادامه توضیح آن خواهد آمد.

**- سؤال مخاطب و پاسخ آن:** مؤلف کتاب «از تو سؤال می‌کنند» با طرح سؤالهایی برگرفته از آیات قرآن که با عبارت «یسئلونک» آغاز شده و شمار آنها به ۱۵ مرتبه در ۱۲ موضوع می‌رسد، مخاطب را به اندیشه دعوت می‌کند. در واقع؛ خدای متعال در قرآن با این شیوه، سؤالهای مردم از پیامبر اسلام (ص) و پاسخ مناسب آن را بیان فرموده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۱۳-۱۵). مانند اینکه خدای متعال خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ» (بقره: ۱۸۹)؛ درباره هلالهای ماه از تو سؤال می‌کنند، سپس دستور می‌دهد به آنان پاسخ بده که: «قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ» (بقره: ۱۸۹)؛ بگو: آنها بیان اوقات (و تقویم طبیعی) برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین وقت) حج است. از کارکردها و منافع گردش هلال، ایجاد تقویم روزانه و سالانه زندگی دنیایی و مشخص شدن عبادتهایی که وقت معین دارند، شمرده

می‌شود. این تقویم طبق مقیاسهای طبیعی تنظیم شده و برای همه مردم جهان استفاده می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۱۷۰)

**- سؤال از مخاطب و پاسخ به آن:** پرسش از مخاطب سبب تقویت دقت و مایه جلب توجه وی است. نظیر سؤال «آیا شناخت خدا لازم است؟» که برای مخاطب طرح شده و پاسخ آن، مقدمه مباحث خداشناسی است و مطالب فصل نخست کتاب «آفریدگار جهان» بر محور آن تدوین شده است (همو، ۱۳۷۹/الف: ۱۹). یا سؤال «مسلمانان چگونه متحد شوند؟»، ذهن مخاطب را به این سمت می‌برد که به نظر شما چگونه می‌توان به اهداف والای اتحاد دست یافت و از برکات و بهره‌های دنیایی و اخروی وحدت برای ترویج و گسترش دین اسلام استفاده کرد. (همو، ۱۳۸۸: ۴۱)

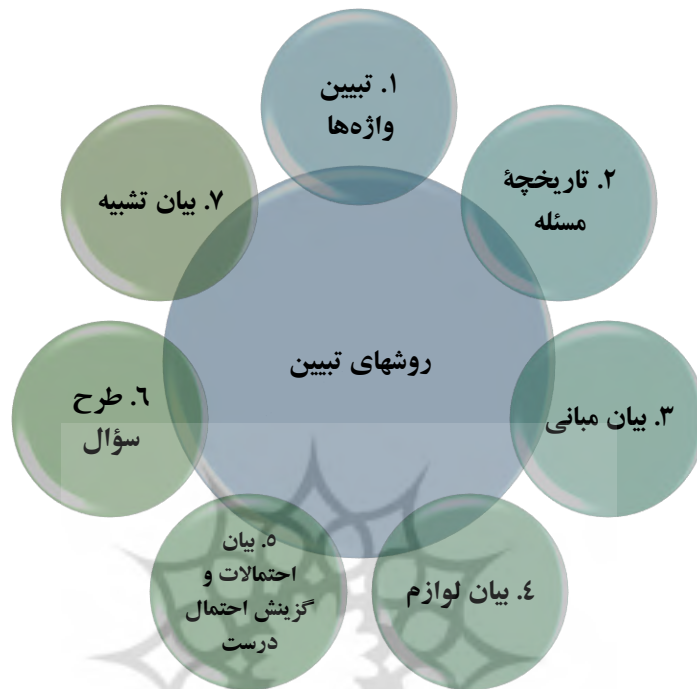
**- سؤال برای اخذ اعتراف از مخاطب:** یکی دیگر از شیوه‌های طرح سؤال، اعتراف گرفتن از مخاطب به دلیل واضح بودن جواب آن است. مخاطب در این شیوه با پرسشی مواجه است که پاسخ آن نیاز به فکر کردن ندارد و بسیار واضح است و روزانه با پاسخ آن سروکار دارد، اما کمتر بدان توجه می‌کند. باید توجه داشت که اعتراف مخاطب دو منشأ دارد: وضوح و وجدانی و فطری بودن جواب؛ پس از اثبات مقدمات برهان جایی برای تردید نیست. نمونه نخست که در ذیل آمده، به دلیل فطری بودن و نمونه دوم، وضوح نتیجه بعد از مقدمات است (سلمه‌ای، ۱۳۹۳: ۱۰۰-۷۳). نظیر آنجا که استاد مکارم برای تبیین رستاخیز از منظر فطرت انسان، از مخاطب سؤال می‌کند: «اگر رستاخیز فطری نیست، چگونه این باور همواره با بشر همراه بوده و ذهن او را درگیر خود کرده است؟» (مکارم، ۱۳۷۶/ب: ۱۳۹). یا با واکاوی دقیق نظم موجود در جهان هستی و بررسی مقدمات این برهان و ارائه اطلاعات کافی، مخاطب با مطالب توحیدی شگرفی مواجه می‌شود و در پایان بحث، این سؤال مطرح می‌شود که: «آیا ممکن است کسی با شنیدن این همه حقایق، دلش از ایمان و معرفت و عشق به خدای متعال لبریز نشود؟» (همو، ۱۳۷۹/الف: ۱۵۹)

به نظر می‌رسد این شیوه هنگامی می‌تواند مخاطب را هدایت کند که محتوای سؤال، صحیح و به تعبیری، مفهوم آن مطابق واقع و حق باشد؛ و گرنه صرفاً طرح پرسش برای هر اعتراف‌گرفتنی از مخاطب، او را به حق نمی‌رساند و اندیشه او به اجتناب از باطل منتهی نمی‌شود. از این رو، شایسته است علامه مکارم، این روش را به اعتبار مطابقت و عدم مطابقت مفهوم پرسش، به دو قسم پرسش صحیح و سقیم، منشعب و کاربست قسم صحیح آن را تجویز کند.

- **بیان سؤال به شیوه گفتگو:** شیوه گفتگو با مخاطب در بحث و دخالت دادن او در تفکر کردن، علاوه بر ایجاد اشتیاق مخاطب در دنبال کردن بحث علمی، او را به این خودباوری می‌رساند که توان حل مسئله را دارد. مانند آنجا که جناب راسل با طرح اندیشه برخی مادی‌گرایان، می‌کوشد به اثبات باور غلط خود پردازد. برای آشنایی بیشتر مخاطب با اشتباه راسل، از وی می‌پرسیم: «به نظر شما چرا جناب راسل این سؤال را مطرح کرده؟ در حالی که مادی‌گرایان با اینکه اصل سؤال از آنهاست، اشکال سخن جناب راسل را فهمیده‌اند و اینگونه پرسش را مطرح نکرده‌اند؟». در ادامه از زبان مخاطب پاسخ می‌دهیم که دلیل اشتباه جناب راسل واضح است و آن این است که ایشان اساساً در علوم ریاضی، طبیعی و جامعه‌شناسی متخصص بوده‌اند و از فلسفه اولی اطلاع کافی نداشته‌اند. (همان: ۳۵-۳۳)

**۷. بیان تشبیه:** هنر بیان مطلب، با ارائه تشبیه کامل می‌شود و دانش بلاغت که عهده‌دار تبیین تشبیه است، اقسام چهارگانه آن را توضیح داده است (ر.ک: هاشمی، ۱۴۲۸: ۲۰۲-۲۰۰). در این مبحث به بیان مثال برای دو قسم مورد ابتلای آن، یعنی «تشبیه محسوس به محسوس» و «تشبیه معقول به محسوس» اکتفا می‌شود. در تشبیه «محسوس به محسوس» که اساس آن انس ذهنی مخاطب با محسوسات است، محقق می‌کوشد مسئله مد نظر را با تشبیه به چیزی که برای ذهن مخاطب ملموس است، تبیین کند و همچنین محقق در تشبیه «معقول به محسوس»، چون مخاطب توان درک کافی امری ناشناخته را ندارد، از تصورات ذهنی محسوس وی یاری جسته و به تبیین مسئله می‌پردازد. مانند اینکه یکی از مقدمات برهان نظم، تصویرسازی در نمایان ساختن نظم میان موجودات عالم است. برای درک کامل آن باید موجودات گوناگون جهان را به لشکری از انسانها که منظم و تحت فرماندهی واحدی‌اند، تشبیه کرد (مکارم، ۱۳۷۹/الف: ۵۰) و این مثال برای تشبیه «محسوس به محسوس» است. همچنین در مبحث دیگر، فکر و اندیشه انسان را همچون پرنده‌ای که در آسمان به پرواز درآمده، به تصویر کشیده می‌شود (همان: ۷۹)، که نمونه‌ای از تشبیه معقول به محسوس است.

شایسته است در کاربرد این روش، ضابطه‌مند عمل شود؛ زیرا در «تشبیه» باید «وجه شبه» برای مخاطب به روشنی پدیدار شود تا ذهن او بیراهه نرود و به مقصود متکلم از ارائه و بیان «تشبیه» دست یابد. از این رو، به نظر می‌رسد کاربرد تشبیه برای آن دسته از محققانی تجویز می‌شود که به سویه‌های مختلف بحث تسلط داشته و به ابعاد مختلف آن آشنایی کافی دارند.



#### نمودار عناوین روشهای تبیین

#### ۲. گام دوم: تنظیم

دومین مرحله در روش‌شناسی کلامی، تنظیم مباحث است. تنظیم همان چپ‌چین اجزای آموزه‌های کلامی است که ضمن رعایت ترتیب منطقی بین آنها، باید جانشانی مطالب برای مخاطب مقبول و معقول به نظر برسد. فایده تنظیم، در کیفیت بخشی به تبیین و اثبات اعتقادات دینی آشکار می‌شود. روشهای تنظیم، تاکنون اشکال مختلفی را تجربه کرده که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ترتیب منطقی، تقدم آموزه‌های عقلی بر نقلی و قطعی بر ظنی و رعایت سطح مخاطب. (برنجکار، ۱۳۹۱: ۱۷۵-۱۷۰)

چنانکه امیرالمؤمنین (ع) در حدیثی از اهمیت تنظیم کلام می‌فرماید: «أحسنُ الكلام ما زانهُ حُسنُ النِّظامِ و فهمهُ الخاصُّ و العامُّ»؛ بهترین کلام، آن است که تألیف و ترکیب نیکویی داشته باشد و برای همه قابل فهم باشد. (آقاجمال گلپایگانی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۴۶۳)

**یک) روش ترتیب منطقی:** تنظیم مباحث اعتقادی بر اساس شیوه منطقی، به دو صورت منشعب می‌شود. روش نخست که تقدم عقلی و ترتیب منطقی مباحث کلامی است، مایه سهولت نتیجه‌گیری برای مخاطب می‌شود. نمونه آن در مبحث صفات ذات خداوند است

که صفتی نظیر علم، بر سمع و بصر الهی مقدم است؛ زیرا صفات سمع و بصر، به علم الهی بازگشت دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶/د، ج ۴: ۱۰۶-۶۱). روش دوم ترتیب منطقی، شیوه دسته‌بندی است. دسته‌بندی اشیا از امور فطری انسان است که در شئون مختلف زندگی انسان نقش دارد و آثاری همچون «سهولت در فهم مخاطب» و «جلوگیری از پراکندگی مطالب» از نتایج کاربست آن است (سلمه‌ای، ۱۳۹۳: ۲۷۰-۲۶۹). مبحث دسته‌بندی در دانش منطق، با عنوان تقسیم معرفی شده و اقسام آن به ثنائی و تفصیلی منشعب می‌شود. روش تقسیم ثنائی، دایرمدار نفی و اثبات است و با حصر موضوع همراه است؛ نظیر تقسیم صفات و اخلاقیات انسان به غرایز و روحيات عالی انسان (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹/الف: ۲۳). تقسیم به شیوه تفصیلی، به دو قسم عقلی و استقرایی منقسم می‌شود. در این شیوه تنظیم، شیء با اقسامش مورد دقت قرار می‌گیرد و قسم عقلی این روش در صورتی معنا پذیر است که احتمال و امکان عقلی برای قسم دیگری از اقسام وجود نداشته باشد. از این رو، این تقسیم به ثنائی بازگشت دارد؛ مانند تقسیم تفصیلی عقلی کمال انسان با توجه به ابعاد زندگی بشر، به دو نوع فردی و اجتماعی (همان: ۲۱). قسم دوم شیوه تقسیم تفصیلی، استقرایی است که خصوصیت آن، امکان عقلی وجود قسم دیگر است؛ نظیر انشعاب کمال فردی هر انسانی به سه قسم فکری، اخلاقی و عملی. (ر.ک: مظفر، ۱۳۸۷: ۱۲۷-۱۳۷)

**(دو) تقدم آموزه‌های عقلی بر نقلی:** مفاد موضوعات مسائل اعتقادی، گاهی عقلی یا نقلی است و مسائل عقلی دانش کلام، مقدم بر آموزه‌های نقلی اعتقادی است؛ نظیر مباحث توحیدی که پیرامون اثبات وجود، صفات ذات و فعل خداوند که عقلی‌اند، سخن می‌گوید و بر مباحث نقلی همچون امامت و معاد که بخش قابل توجه اثبات مسائل آنها از نقل استفاده می‌شود، مقدم است. (برای مشاهده نمونه‌ها به مجلدات ۲ و ۳ و ۵، کتاب پیام قرآن استاد مکارم مراجعه شود.)

**(سه) تقدم آموزه‌های قطعی بر ظنی:** ارزش معرفت‌شناختی دلایل کلامی قطعی و ظنی، یکسان نیست. مباحثی که موضوعات آنها قطعی است، مخاطب را بدون تردید به مقصود رهنمون است؛ از این رو، بر مسائل ظنی مقدم‌اند. مانند این پرسش که «چگونه نظم می‌تواند نشانه عقل و فکر باشد؟» که دو پاسخ برای آن ارائه شده است. یکی مبتنی بر عقل و اصل علیت و دیگری از راه احتمالات و قریب به قطع است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹/الف: ۵۲)

گفتنی است که تمام آموزه‌ها و امارات ظنی، مورد تأیید اندیشمندان کلامی نیستند؛ بلکه آن دسته از ظنون مورد پذیرش‌اند که از اعتبار و ارزش معرفت‌شناختی برخوردار باشند؛

مانند حجیت ظواهر الفاظ در بهره‌گیری از آیات قرآن که از جمله ظنون معتبر شمرده می‌شود.

**چهار) تقدّم دلایل ساده بر مشکل (رعایت سطح مخاطب):** این روش، یکی دیگر از شیوه‌های تنظیم توجه به اصل مخاطب‌سنجی در ارائه دلیل اعتقادی است. دلایلی که تفهیم ساده‌تری دارند از مقبولیت عمومی بیشتری برخوردارند، در ارائه به مخاطب بر دلیل پیچیده‌تر مقدم‌اند؛ نظیر برهان نظم که برهانی تجربی- فلسفی است و بر برهان امکان و وجوب یا صدیقین که فلسفی محض‌اند، مقدم می‌شود. (همان: ۱۶۱-۴۹)



### نمودار عناوین روشهای تنظیم

#### ۳. گام سوم: اثبات

سومین گام در استنباط مسائل کلامی، اثبات آموزه‌های باورمند و اعتقادی اسلامی است. اثبات در اصطلاح، عرضه آموزه‌های اعتقادی همراه با دلیل به سبب ایجاد استحکام مطالب در ذهن مخاطب را گویند. فایده اثبات، ثمربخشی به استنباط است که با نگاه به تناسب موضوع و دلیل و نیز توجه به شرایط زمان، مکان و مخاطب در انتخاب گزاره پدیدار می‌شود. روشهای اثبات متعدد است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود. (برنجکار، ۱۳۹۱: ۱۸۲-۱۷۷)

**یک) اثبات با انواع دلیل به لحاظ مقدمات:** اثبات مباحث اعتقادی، مبتنی بر دلیل است. دلیل به لحاظ صورت و ماده تنوع دارد و متکلم با توجه به شرایط اثبات، به دلخواه از هر کدام استفاده می‌کند. گاهی از مقدمات عقل نظری یا عقل عملی و گاهی از ماده وجدانی یا تجربی و نیز عقلی بهره‌مند می‌شود و گاهی حجت محقق، قیاس و استقرا یا تمثیل

است (همان). نظیر آنچه استاد مکارم شیرازی بدان تمسک جسته و چنین می‌نگارد: استفاده از مقدمات عقل نظری که به ادراک «هست‌ها» و «نیست‌ها» توجه دارد و از مهم‌ترین مبادی برهان محسوب می‌شود، در مباحثی همچون براهین اثبات وجود خداوند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶/د، ج ۳: ۷۳-۵۹) و اثبات صفات ثبوتی و سلبی واجب‌الوجود کاربرد دارد (همان، ج ۴: ۱۴۱-۵۹). همچنین به کمک مُدرکات عقل عملی که از جنس «بایدها و نبایدها» است، حسن و قبح عقلی را می‌توان به عنوان دلیل عقلی در مسئله عدل الهی بیان و عدل الهی را برای مخاطب اثبات کرد (ر.ک: همان: ۴۷۴). برخی موضوعات کلامی با دلایل نقلی اثبات می‌شوند؛ نظیر آیه تبلیغ که متضمن جریان غدیر است (همان: ج ۹: ۱۸۱) یا آیه مباهله که به اثبات امامت می‌پردازد. (همان: ۲۴۱)

**(دو) اثبات با انواع دلیل به لحاظ صورت و ماده:** دلیل را از دو جهت صورت و ماده استدلال می‌توان بررسی کرد. صورت حجت، یکی از اقسام موضوع دانش منطقی است که به سه شیوه قیاس، استقرا و تمثیل، ارزیابی می‌شود. قیاس، استدلال مشتمل بر مقدماتی را گویند که پذیرش آنها سبب اعتقاد به نتیجه است و کارکرد آن از استقرا و تمثیل بیشتر است و ارزش معرفت‌شناختی والاتری دارد. قیاس، اشکال متعددی همچون اقترانی و استثنایی، یا صورت برهانی نظیر برهان خُلف را به خود می‌گیرد. تمثیل نیز در تقریب مسئله به ذهن مخاطب مؤثر است و پذیرش آن را آسان می‌کند؛ مانند اثبات خصوصیات کمالی انسان که با بیان دو مقدمه از راه قیاس اقترانی به شرح ذیل میسر است.

- مقدمه نخست: حس عدالت‌پروری از روحيات عالی انسانی است.
  - مقدمه دوم: درجه کمال انسان، به مقدار روحيات عالی انسانی است.
  - نتیجه: حس عدالت‌پروری حاکی از کمال انسان است. (همو، ۱۳۷۹/الف: ۲۴)
- همچنین از راه «برهان خُلف» با استناد به آیه «لو كان فيهما آلهة آلا الله لفسدتا» (انبيا: ۲۲)؛ اگر در آسمان و زمین، جز «الله» خدایان دیگری بود، فاسد می‌شدند (و نظام جهان به هم می‌خورد)؛ می‌توان به نفی تعدد خداوند و اثبات وحدت الهی پرداخت. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷: ۴۴۵)

اثبات با شیوه تمثیل نیز کارکرد فراوان دارد؛ نظیر اثبات وجود ناظم حکیم از راه مشاهده نظم دقیق موجودات با تصور تمثیلی ساده که در ذهن نقش می‌بندد. مانند اینکه از مخاطب می‌خواهیم فرض کند شعری بلیغ سروده شده است. آیا احتمال می‌دهد شاعر آن کودک‌کی باشد که از روی اتفاق آن را سروده است؟ (همو، ۱۳۷۹/ب: ۵۴). با شنیدن این پرسش، مخاطب به سادگی وجود ناظم حکیم را تصدیق خواهد کرد.

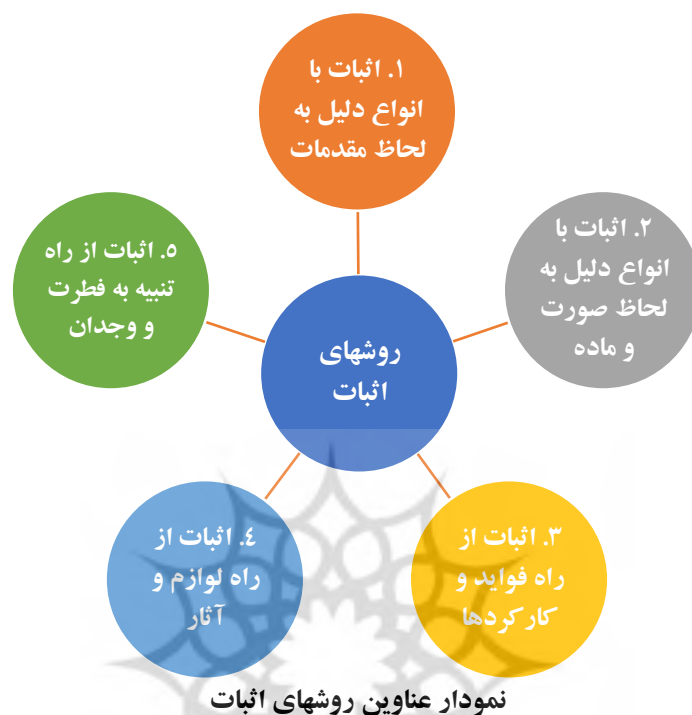
علاوه بر صورت دلیل، ماده حجت نیز در اثبات اهمیت دارد. ماده قیاس اقسامی دارد همچون یقینیات، مشهورات و مسلّمات که کارکرد آن در برهان و جدل است؛ نظیر بهره‌مندی از قیاس با ماده برهانی در برهان علت و معلول برای اثبات وجود خداوند(همو، ۱۳۸۶/د، ج ۳: ۵۹) یا استفاده از روش جدلی برای اسکات خصم؛ همچون استدلال بر ردّ تثلیث که با پرسشی ساده مانند «آیا یک مساوی سه است؟» به نیکویی ثمربخش است.(همو، ۱۳۹۴: ۴۱)

**سه) اثبات از راه فواید و کارکردها:** انسان به سبب روحیه منفعت‌جویی، به امور ارزشمند گرایش دارد و جویای منافع بیشتر است. شنیدن بیان کارکرد و فواید پذیرش موضوعی برای مخاطب لذت‌بخش است و مقبولیت آن مسئله را در ذهنش دوچندان افزایش می‌دهد. این شیوه از استدلال، معمولاً ابتدای موضوعات و ابواب مباحث کلامی به چشم می‌خورد و نقش انگیزشی دارد. همچون مبحث نبوت که در ابتدای آن، ۱۰ فایده از بعثت انبیا، همچون تعلیم و تربیت، اقامه قسط و عدل و اتمام حجت بیان می‌شود و ضرورت بعثت را به اثبات می‌رساند.(همو، ۱۳۸۶/د، ج ۷: ۵۳-۱۸)

استفاده از این روش، مرهون شناخت کافی متکلم از فواید و فلسفه مسائل کلامی و آگاهی از نقش آنها در حیات اعتقادی انسان است و همیشه در آثار کلامی این فواید به وضوح مشهود نیست و نیازمند تتبع و پژوهش فراوان است.

**چهار) اثبات از راه لوازم و آثار:** اثبات از راه لوازم، نیازمند تشویق مخاطب به اندیشه و تفکر است. مخاطب با شنیدن مطلب مدّ نظر و پی بردن به وجه ملازمه، به آسانی دلالت التزامی مسئله را کشف می‌کند و به اثبات آن نایل می‌آید. نظیر اثبات این مطلب که نظم همیشه از فاعل و مبدء متفکر و حکیم و بااراده صادر می‌شود. مخاطب با مشاهده آثار وجودی نظم در عالم، به وجود مبدء باشعور و حکیمی که ایجادکننده این نظم در عالم است، منتقل می‌شود.(همو، ۱۳۷۹/الف: ۵۲)

**پنج) اثبات از راه تنبیه به فطرت و وجدان:** بینشهای فطری و وجدانی انسان، همیشگی و زوال‌ناپذیرند و همچون قطب‌نمایی در وجود بشر، مسیر حقیقت‌جهت‌بخش را نشان می‌دهند. این بینشها جایگاه مهمی در مباحث کلامی دارند و کاربرست آنها در مسائل مختلف کلامی، نقش آفرین است؛ مانند اثبات ضرورت نبوت و نیاز انسان به راهنما برای رسیدن به سعادت و اقناع میل کمال‌طلبی انسان با تنبیه بخشیدن در تصدیق به وجود رهبر متقی برای هدایت انسان که امری بدیهی، وجدانی و فطری است.(همو، ۱۳۸۳: ۵۷)



#### ۴. گام چهارم: دفاع

متکلمان برای پاسخ به پرسشهای کلامی، علاوه بر شیوه اثبات، به دفاع برای دفع شبهه نیز اهتمام دارند. دفاع در اصطلاح، معارضه و ردّ شبهات مطروحه به شیوه عقلی و نقلی پیرامون اعتقادات دینی شناخته می‌شود. شرایط دفاع برای متکلمان، مواردی همچون شناخت عقاید دینی، تسلط بر شبهه و پاسخ آن و آشنایی و مهارت در شیوه‌های پاسخگویی به شبهات است. کاربرد دقیق شیوه‌های پاسخگویی به شبهات، فرع بر شناخت آنهاست. روشهای پاسخ به شبهات گوناگون است که به اختصار به چند مورد اشاره می‌شود. (برنجکار، ۱۳۹۱: ۲۰۲-۱۹۳)

**یک) پاسخ بر اساس مبانی شبهه‌کننده یا نقاط مشترک:** همیشه مبانی اندیشه‌ها زمینه‌ساز ظهور نتایج افکارند و واکاوی این مبانی در ردّ شبهات و مغالطات، بسیار مؤثر است. گاه برخی از مبانی مطرح‌شده در پرسش، با مبانی اندیشه صحیح مشترک است؛ اما شبهه‌کننده بدان التفات ندارد. پس با یادآوری آن می‌توان در خروج وی از شبهه مطروحه، نقش مهمی ایفا کرد؛ نظیر شبهات پیرامون فلسفه بعثت انبیا که می‌گویند: «اگر خداوند حکیم است، پس چرا پیامبر او احکام خلاف عقل همچون حرام کردن بعضی غذاها آورده است؟». برای پاسخ به این شبهه می‌توان از چهار مقدمه کمک گرفت که نخستین آن، نقص نسبی

دانش بشری است و آن را باید نقطه مشترک میان دانشمندان الهی و مادی دانست. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶/د، ج ۷: ۵۳-۵۰)

به نظر می‌رسد دفاع بر اساس مبانی شبهه‌کننده را باید به دو دسته تقسیم کرد. گاهی مبانی مستشکل در نظر خودش مورد غفلت واقع شده یا به درستی کاربرست و تطبیق آن به ظهور در کلام نرسیده است، مانند مناظره امام رضا(ع) با عالمان ادیان دیگر؛ در این صورت، دفاع از حق با گزاره حق است و پاسخ حلی را به وی عرضه می‌کند. اما گاه تکیه بر مبانی مورد پذیرش مستشکل، زمینه پاسخ نقضی را مهیا می‌سازد که هدف نهایی مجیب نیست و تنها گریزگاه است؛ در این صورت باید متکلم با برهان و استدلال محکم، سخن حق را برای مستشکل بیان کند و به این نقض اکتفا نکند.

**(دو) پاسخ با روش تبیین واژه‌ها:** تبیین معنای صحیح واژگان، در جلوگیری از فهم اشتباه معانی کاربرد دارد. گاه با بیان معنای درست یک واژه، شبهه برطرف می‌شود و مخاطب به خطای خود پی می‌برد؛ مانند این پرسش که «دعا یک نوع معارضه با حکمت خداوند است. مگر ممکن است چیزی به صلاح ما باشد و خداوند دریغ کند؟». پاسخ این شبهه با استفاده از آیه «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر: ۶۰)؛ و به کمک تبیین واژه دعا و فلسفه تذکر خداوند به آن، امری ساده و روشن است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴/الف: ۱۱۳-۹۱)

از نظر نگارنده، همیشه تدقیق در معنای واژگان، پاسخگوی متخاصم در بحث علمی نیست و باید به مغالطه اشتراک لفظی در ذهن وی نیز دقت کرد. به تعبیر دیگر؛ گاه معنای واژه‌ای آشکار است اما در نظر متخاصم، یک معنای آن اراده شده و نزد مجیب، معنایی دیگر؛ از این رو، پاسخ با روش تبیین واژگان در صورتی اتمام مدعای متخاصم را در پی دارد که جهل مفهومی نسبت به یک واژه وجود داشته باشد و اما در صورتی که محل نزاع در مفهوم مورد اتفاق باشد، باید با تمسک به مغالطه اشتراک لفظی، به ادعایش پایان داد.

**(سه) طرح سؤال:** طرح سؤال در روشهای تبیین و دفاع کاربرد دارد. به کاربرست این شیوه در روش تبیین اشاره شد و اینک نوبت به روش دفاع از اندیشه رسیده است. روش طرح سؤال در دفاع به دو صورت بیان صریح شبهه و بیان غیر صریح آن ممکن است. در روش نخست، شبهه به روشنی ارائه می‌شود و حتی در برخی آثار همچون «آفریدگار جهان»، قسمتی از مطالب کتاب به طرح اشکال و شبهه از سوی مخالفان اندیشه اسلامی اختصاص دارد و پاسخ واضح بدان اشکالها آمده است. شبهاتی نظیر «چرا گروهی از علمای طبیعی به خدا ایمان ندارند؟»، «چگونه به خدای نادیده ایمان بیاوریم؟!»، و «آیا با وجود علل طبیعی، به خدا احتیاج داریم؟» بخشی از آن پرسشها خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴/ب: ۱۷۷). اما گاه بیان

شبهه به شیوه‌ای دیگر است و به صورت غیر مستقیم به آن اشاره شده و پاسخ آن در مطلب بیان می‌شود. مانند مبحث اثبات خداوند از راه دلیل اعجاز که در پاورقی بدون اشاره به شبهه، به دفع شبهه استثنای اصل علیت با اعجاز پرداخته و در متن با عباراتی ساده به شبهه چنین پاسخ داده که معجزه، واقع‌های بر خلاف سنن عادی طبیعی است که علت آن، امر ماورای طبیعت است و محکوم به قانون علیت خواهد بود. (همان: ۱۶۹)

**چهار) پاسخ نقضی و حلی:** پاسخ به پرسش و شبهه به روش حلی تام و صحیح محدود نیست. گاه لازم است ابتدا تصور پیچیدگی و حل‌ناپذیر بودن اشکال را در ذهن شبهه‌کننده بشکنیم و سپس وی را با جواب حلی روبه‌رو کنیم. نظیر پاسخ به شبهه مادی‌گرایان که می‌گویند: «چگونه موحدان استدلال به برهان نظم و اسرار هستی می‌کنند، در حالی که دانشمندان علوم طبیعی اعتقادی به وجود خداوند ندارند؟». پاسخ نقضی این پرسش در اعتقاد و پافشاری بسیاری از دانشمندان خداپرست بر توحید است و دلیلی بر رد این مدعاست که گفته شده: «همه دانشمندان علوم طبیعی منکر خدا هستند». بسیاری از دانشمندان، موحد هستند و گفتار هجده دانشمند موحد علوم طبیعی به عنوان نمونه، گواه آن است. اما پاسخ حلی این پرسش که با وجود نظم و ناظم هستی آفرین، چرا برخی از اندیشمندان علوم طبیعی موحد نیستند؛ نیازمند واکاوی علل و عواملی است که سبب گرایش به مادی‌گرایی و انحراف آن دانشمندان شده است. (همو، ۱۳۷۹/الف: ۱۹۶-۱۸۲)

**پنج) طرح احتمال:** روش طرح احتمالات و گزینش دیدگاه صحیح که پیش‌تر در روش‌های تبیین بیان شد، در روش‌های دفاع نیز کاربرد دارد. مانند پاسخ به شبهه آلوسی در استدلال امامیه به ولایت اهل بیت با آیه مباحله (آل عمران: ۶۱) که معتقد است: «مراد از انفسنا در آیه، خود پیامبر (ص) است نه امیرالمؤمنین (ع)». رسیدن به پاسخ صحیح این مدعا، در گرو بیان احتمالات از «انفسنا» است. اگر مراد از «انفسنا» خود پیامبر باشد، با اینکه قرآن فصیح‌ترین سخنان است، آیا دعوت از خویشتن معنا دارد؟ پس مراد، امیرالمؤمنین بوده که همراه ایشان است. (همو، ۱۳۸۶/الف: ۲۰۸)

**شش) محسوس‌سازی معقولات:** معقولات امور غیر حسی‌اند و تصور آنها نسبت به محسوسات، به دلیل انس ذهنی مخاطب با امور حسی، دشوارتر است. از این رو، محسوس‌سازی امور معقول در مباحث کلامی کارکرد مهمی دارد. مانند تصویرسازی کیفیت مرگ که امری معقول است به بوییدن گل برای صالحان و کشیدن بار سنگینی به عظمت یک کوه برای گنهکاران. (همو، ۱۳۷۶/ب: ۲۲)



نمودار عناوین روشهای دفاع

### ج) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مقصود از روش‌شناسی کلامی در اندیشه آیت‌الله مکارم شیرازی، نگاه درجه دوم به عملکرد و عملیات اندیشه‌ورزی کلامی ایشان است. این عملیات مشتمل بر شیوه‌های گردآوری و واکاوی مسائل کلامی در قلمرو علم کلام به روش تبیین، تنظیم، اثبات و دفاع از گزاره‌های معرفتی کلامی است. از آنجا که ایشان در آثارشان تصریحی به چنین مراحل ندارند، نگارنده کوشیده است این مراحل را به روش استنتاجی و استنباطی از آثار آیت‌الله مکارم به دست آورد و با بیان نمونه‌هایی، کاربردی این عملیات را در مسائل اعتقادی دینی عرضه کند. استاد مکارم در گام نخست عملکرد کلامی خویش، به روش تبیین اشاره و از روشهایی نظیر تبیین واژه‌ها، بیان تاریخچه، بیان مبانی، بیان لوازم و احتمالات، گزینش احتمال درست، طرح سؤال به صورتهای مختلف و بیان تشبیه استفاده کرده است. ایشان در گام دوم به روشهای تنظیم روی آورده و از روشهایی همچون: ترتیب منطقی، تقدّم آموزه‌های عقلی بر نقلی، تقدّم آموزه‌های قطعی بر ظنی و تقدّم دلایل ساده بر مشکل بهره برده است. در گام سوم (روش اثبات) نیز از شیوه‌هایی مانند اثبات با انواع دلیل به لحاظ مقدمات، اثبات با انواع

کاربست روش‌شناسی کلامی آیت‌الله مکارم شیرازی ... ♦ ۲۷

دلیل به لحاظ صورت و ماده، اثبات از راه فواید و کارکردها، اثبات از راه لوازم و آثار، اثبات از راه تنبیه به فطرت و وجدان یاری جسته و در گام چهارم (روش دفاع) از راههایی مانند دفاع بر اساس مبانی شبهه‌کننده یا با روش تبیین واژه‌ها و نیز طرح سؤال یا پاسخ نقضی و حلّی، همچنین طرح احتمال و محسوس‌سازی معقولات استفاده کرده است تا فرایند استخراج و اثبات یا دفاع از مسائل اعتقادی را به سامان برساند.

بنابر این، مسائل کلامی در اندیشه آیت‌الله مکارم، روشمند و مدلل و مبتنی بر روش‌شناسی است و این پژوهش قادر است الگویی نمونه در عملکرد سایر متکلمان شمرده شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### منابع

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- آقاجمال خوانساری، محمدبن حسین (۱۳۶۶). شرح غررالحکم و دررالکلم. تهران: دانشگاه تهران.
- آل کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۳۸۸). آیین ما. ترجمه ناصر مکارم شیرازی. قم: امام علی بن ابی طالب.
- برنجکار، رضا (۱۳۹۱). روش شناسی علم کلام. قم: دارالحدیث.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۷). فلسفه فلسفه اسلامی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- سلمه ای، مسعود (۱۳۹۳). روش شناسی سخنرانی دینی. قم: مؤسسه امام خمینی.
- سلیمانی امیری، عسکری (۱۳۹۰). معیار دانش. قم: مؤسسه امام خمینی.
- شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۷). دائره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۸۷). المنطق. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹/الف). آفریدگار جهان. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶/الف). آیات ولایت در قرآن. تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژاد. قم: نسل جوان.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). از تو سؤال می کنند. تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژاد. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳). اسلام در یک نگاه. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶/الف). اعتقاد ما. قم: نسل جوان.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲). برگزیده تفسیر نمونه. تهیه و تنظیم: احمدعلی بابایی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶/ب). پنجاه درس اصول عقائد برای جوانان. قم: نسل جوان.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶/ج). پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶/د). پیام قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴/الف). پیدایش مذاهب. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴/ب). جلوه حق. قم: نسل جوان.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹/ب). عقیده یک مسلمان. قم: هدف.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶/ب). معاد و جهان پس از مرگ. قم: سرور.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۴). نخستین آفریده خدا. تهیه و تنظیم: ابوالقاسم علیان نژاد. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.

- مکارم شیرازی، ناصر و جعفر سبحانی (۱۳۷۷). **پاسخ به پرسشهای مذهبی**. قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از فضلا (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- هاشمی، احمد (۱۴۲۸ ق). **جواهرالبلاغه**. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- **The Holy Quran**. Translated by Ayatollah Makarem.
- Agha Jamal Khansari, Muhammad ibn Hussein (1987). **Sharh Gharr al-Hekam WA Dorr al-Kalam**. Tehran: University of Tehran.
- Ale Kashef al-Ghita, Muhammad Hussein (2009). **Ain al-Maa**. Translated by Nasser Makarem Shirazi. Qom: Imam Ali ibn Abi Talib.
- Berenejkar, Reza (2012). **Methodology of Theology**. Qom: Dar al-Hadith.
- Hashemi, Ahmad (2007). **Jawaher al-Balagha**. Qom: Qom Seminary Management Center.
- Khosropanah, Abdul-Hossein (2008). **Philosophy of Islamic Philosophy**. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought.
- Makarem Shirazi, Nasser (2005). **Peidayesh Madhahib**. Qom: Madrasah al-Imam Ali ibn Abi Talib.
- Makarem Shirazi, Nasser (2007). **Fifty Lessons in the Principles of Beliefs for Young People**. Qom: Young Generation.
- Makarem Shirazi, Nasser (2004). **Islam at a Glance**. Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib School.
- Makarem Shirazi, Nasser (2005). **Jelweyeh -Haqq**. Qom: Nasle -Jawan.
- Makarem Shirazi, Nasser (1997). **Our Belief**. Qom: Nasl Jawan.
- Makarem Shirazi, Nasser (2007). **Payam al-Imam Amir al-Mu'minin**. Tehran: Dar al-Kutob al-Islamiyyah.
- Makarem Shirazi, Nasser (2007). **Payam al-Quran**. Tehran: Dar al-Kutob al-Islamiyyah.
- Makarem Shirazi, Nasser (1997). **Resurrection and the World after Death**. Qom: Sarwar.
- Makarem Shirazi, Nasser (2003). **Selected Exemplary Interpretation**. prepared and edited by Ahmad Ali Babai. Tehran: Dar al-Kutob al-Islamiyyah.
- Makarem Shirazi, Nasser (2000). **The Belief of a Muslim**. Qom: Hadaf.
- Makarem Shirazi, Nasser (2000). **The Creator of the World**. Qom: Imam Ali ibn Abi Talib School.
- Makarem Shirazi, Nasser (2015). **The First Creation of God**. Prepared and arranged by Abul-Qasim Alian-Nejad. Qom: Imam Ali ibn Abi Talib (peace be upon him) School.
- Makarem Shirazi, Nasser (2008). **They Ask You**. Prepared and edited by Abul-Qasim Aliyan-Najadi. Qom: Madrasa al-Imam Ali ibn Abi Talib.
- Makarem Shirazi, Nasser (2007). **Verses of Wilayat in the Quran**. Prepared and edited by Abolghasem Alian-Nejad. Qom: Nasl Jawan.

- Makarem Shirazi, Nasser & a group of scholars (1995). **Tafsir al-Nemone**. Tehran: Dar al-Kutob al-Islamiyyah.
- Makarem Shirazi, Nasser & Jafar Sobhani (1998). **Answers to Religious Questions**. Qom: Imam Ali ibn Abi Talib (AS) School.
- Mozaffar, Mohammad Reza (2008). **Al-Mantiq**. Qom: Islamic Publishing Institute.
- Salmei, Masoud (2014). **Methodology of Religious Speech**. Qom: Imam Khomeini Institute.
- Shayan Mehr, Ali Reza (1998). **Comparative Encyclopedia of Social Sciences**. Tehran: Kayhan Publications.
- Soleimani Amiri, Askari (2011). **Knowledge Standard**. Qom: Imam Khomeini Institute.

